

زیر آسمان فیروزهای

با همراهی «شجاعت حسین خان»

آلبوم «افسانه‌شو»

تهمورس پور ناظری منتشر شد

● شرق: آلبوم «افسانه‌شو» اثری از «تهمورس پورناظری» با حضور استاد شجاعت حسین‌خان و سهراب پورناظری پس از سمسال منتشر شد. این آلبوم ادامه همکاری تهمورس پورناظری با سیستان‌نواز برجسته هندی است که در ادامه پروژه موسیقی «از تخت‌جمشید تا تاج‌مجل» ضبط شده است. تهمورس پورناظری، آهنگساز این اثر در این بار گفت: همنوازی و گفت‌وگوی موسیقایی با هنرمندان وفرهنگ‌های گوناگون همیشه برایم جذاب است و این همکاری یکی دیگر از این جنس همدلی‌هاست چرا که همراهی استاد شجاعت‌خان برای من و سهراب فرصتی مغتنم است که افزون بر پرمایگی هنری، از دیدگاه انسانی نیز پر بار بوده است. وی با اشاره به چگونگی شکل گیری این آلبوم افزود: شروع «افسانه‌شو» در دبیار و تصمیم به همکاری من و شجاعت‌خان در لس آنجلس برمی گردد که طی چندین‌ماه بعد این اثر موسیقایی در شهر دهلی ضبط شد. این نوازنده افزود: قرار بود این اثر در آذر سال ۱۳۸۹ در تالار وحدت تهران به‌عنوان شروع تور این پروژه روی صحنه رود که به دلیل ابتلای شجاعت حسین‌خان به مالاریا این امر تحقق نیافت. آلبوم «افسانه‌شو» شامل ۱۰ قطعه «دیباج»، «دلبری»، «بازتاب»، «ستار»، «وجد»، «دونوازی»، «سخنی دیگر»، «اسماع»، «دیوانه» و «افسانه» است که هنرمندانی چون تهمورس پورناظری: تار، شجاعت حسین‌خان: سینتار و سهراب پورناظری: تنبور به اجرا پرداخته‌اند. «افسانه‌شو» با طراحی و تدوین تهمورس پورناظری و با طراحی جلد آوا منسکاتیان هم‌اکنون از سوی انتشارات سروش در بازار موسیقی منتشر شده است.

ادامه از صفحه ۷

روز خلوت ۲۱شهریور

❧ چرا در سینمای ایران نظریه‌پردازانی مثل هربرت رید، ژرژ سادول، دیوید بوردول، کریستین تامسون و… وجود ندارند؟

خب، این پرسش خوبی است. ببینید تا دو، سه دهه پس از آغاز فعالیت عکاسیاشی و صحافیاشی و روسی‌خان و اقایف هیچ‌کدام از مطبوعات سینمایی یا غیرسینمایی و منتقدان فیلم، شاید به‌این دلیل که سینمای ایران نظر جدی توده بینندگان را نمی‌گرفت و به‌تغییر منتقد نام‌آور طرول افشار «سینما را کوچک‌تر از آن می‌دانستند که درباره آن بحث شود»،درصد فراهم کردن اطلاعاتی درباره فیلم‌ها، تحلیل و نظریه‌پردازی درباره آنها نبود. از میان مطبوعات سینمایی فقط یکی، دو مجله بودند که پارامی از نویسندگانشان در طول دهه ۱۳۳۰ تا حدودی نگاه خود را به سینمای ایران و محصولات آن معطوف کردند اما این آنگاه به‌معنای ارزیابی سینمای ایران و تحلیل عوامل و عناصر تشکیل دهنده آن نبود. گاهی که دوست گرانقدرم شالروان عبدالحمید شاعی تهرانی برای ثبت موادی برای تحلیل تاریخ‌سینما درداشت،امتلا به‌دلیل استقلال‌نکردن اهل کتاب و سینما، تدام نیافت. حتی نشرهایم ژر آواره سینمایی تلاش پژوهندهای همچون شاعی را تحسین نمی‌کردند سهیل است، آن را کاری عبث و «تاسف‌بار» می‌دانستند.کش‌مکش کلامی فرخ غفرای و دکتر هوشنگ کاووسی در دهه ۱۳۴۰ هم بر همین بی‌اعتنایی دلالت دارد. در حالی که غفرای منابعی را برای تدوین تاریخ سینما فراهم می‌کرد، کاووسی اظهار می‌کرد: «اگر روزی بخواهند تاریخ سینمای ایران را تدوین کنند ذکر این آثار باعث تاسف خواهد بود». به‌جز اینها، بضاعت فیلم‌های سینمای ایران، در اغلب قریب به‌اتفاق تولیدات آن، چنان اندک است که بحث‌های نظری را برنمی‌تابد. یادم هست وقتی کتاب «زاویه دید در سینمای ایران» را می‌نوشت‌م برای آنکه بتوانم به پارامی مباحث نظری درباره روایت و زمان در فیلم‌ها بزنم، به‌سختی می‌توانستم فیلم‌هایی را برای شاهد مثال پیدا کنم. این موضوع در آن سال‌ها در ادبیات ما هم نمود نداشت. یادم هست که نویسندگان معدودی این بحث را در ادبیات می‌شناختند و در آثارشان نمود می‌دادند. بنابراین عمده داستان‌ها در آن سال‌ها براساس همان زاویه دید دایای کل نوشته می‌شد، که منشا آن به ادبیات قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی برمی‌گردد. وقتی کتاب «زاویه دید در سینمای ایران» را در دست تالیف داشت‌م موضوع زاویه دید و تنوع‌های آن به لحاظ نظری در سینمای ایران مطرح نشده بود و درباره آن کنکاش و گفت‌وگویی صورت نگرفته بود و زوایای پیدا و پنهانی آن روشن نبود. فیلم‌های خارجی هم که آن دوره در سینماها نمایش داده می‌شدند تنوع زیادی در روایت و زاویه دید نداشتند در سینما به‌طور کلی فیلمسازها سراغ مد دست‌لرین و ساده‌ترین نوع روایت می‌رفتند که دایای کل است. اما هم همین شکل روایت بیشتر طالب دارد، چون ساده‌تر است. در چنین وضعی چطور می‌توان انتظار داشت که انحصاری پیدا شوند که صرفاً به مباحث نظری پیرامون سینمای ایران بپردازند. البته باید بگویم که از دهه ۱۳۶۰ به این سو فیلم‌هایی ساخته شده است که خوشبختانه بحث‌های نظری را برمی‌تابند.

❧ در حوزه نشر، کتاب‌های بحث‌جای چقدر با استقبال سینماگران و دانشجویان سینما و محققان مواجه می‌شود؟

راستش را بخواهید چاپ‌های مکرر اغلب کتاب‌های من و یاباب بودن بسیاری از آنها گویای آن است که این کتاب‌ها مخاطبان خاص خودشان را پیدا کرده‌اند. بدیگام آنهایی که در حوزه سینمای ایران قلم می‌زنند یا دانشجویانی که پایان‌نامه و رساله خود را می‌نویسند به‌کرات به این آثار مراجعه کرده‌اند. اما درباره اینکه این آثار موفق شده‌اند محققانی برای نسل‌های بعدی تربیت کنند یا انگیزه‌ای در آنها به‌وجود بیاورند خیلی خوشبین نیستم، با دست‌کم اطلاع دقیقی ندارم.

بعد از حضور هنرمندان ایرانی در چندین نمایشگاه نیویورک حالا نوبت عکاسان زن ایرانی است تا در کنار زنان عرب، بخشی از هنر معاصر این منطقه را در شهرموزه بوستون نمایش دهند.

موزه هنرهای زیبای شهر بوستون از ۲۹سپتامبر برابر با هفتم مهر تا ۱۲ژانویه سال ۲۰۱۴ میزبان نمایشگاهی باعنوان «She Who Tells a Story» «زنان روایت‌گر» است. در این نمایشگاه عکس‌های گوهر دشتی، شادی قدیریان، نینوشا توکلیان و نشاط از ایران و جان العالی، بوشرا المتوکل، رانا النمر، لالا اسیدی، تانیا حاجوکو، رولا حلاولانی، نرمین حمام، رانیا مطر از دنیای عرب به روی دیوار می‌رود. سایت موزه بوستون با بیان اینکه این هنرمندان معرف عکاسی پیشگام زنان در خاورمیانه هستند، در توضیح این نمایشگاه عنوان کرده است: «آثار این عکاسان برجسته که با عشق، شور و قدرت به تصویر کشیده شده است، سعی در به چالش کشیدن یا اندیشیدن در مورد سنت‌ها و موضوع‌های موجود در خاورمیانه دارد. محدوده کار این زنان از هنرهای زیبا تا عکاسی خبری است که مسایل مختلف از مناظر تا موضوعات سیاسی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد»

شادی قدیریان، از جمله عکاسان شرکت‌کننده در این نمایشگاه، با بیان اینکه قرار است مجموعه عکس‌های «جنگ» و «آفاجار» او به نمایش گذاشته شود، به «شرق» گفت: «این نمایشگاه در تالاش است تا بخشی از هنر معاصر ایران و کشورهای عرب را که از سوی زنان ثبت شده است، نمایش و با بررسی این آثار دستاوردهایی را که آنها طی سال‌های اخیر کسب کرده‌اند، معرفی کند.»البته برگزاری این نمایشگاه به‌دور از چشم رسانه‌های آمریکایی نیز نبوده و «نیویورک تایمز» در گزارشی به تحلیل آن پرداخته است. در ابتدای این گزارش با اشاره به اینکه زنان در دنیا با محدودیت‌های زیادی برای رشد و پیشرفت مواجه هستند این نکته ذکر شده است که با وجود مشکلات، زنان در خط‌مقدم عکاسی در ایران و دنیای عرب بوده‌اند.

همچنین در ادامه گزارش عنوان شده است که زنان در این کشورها با ثبت تصاویر و زیرسول بردن برخی از مسایل مربوط به سنت‌های محیط اطراف خود، سعی در آگاه کردن جامعه برای رفع محدودیت‌ها و حضور بیشتر زنان در اجتماع داشته‌اند و به همین دلیل هریک از عکاسان زنی که در این نمایشگاه حضور دارند، برای تصاویرشان داستان خود را دارند.

نینوشا توکلیان، دیگر عکاس ایرانی شرکت‌کننده در نمایشگاه «زنان روایت‌گر» در گفت‌وگویی که با این روزنامه انجام داده، گفته است: «موعلی‌ی که ما با آن روبه‌رو هستیم تنها ویژه من، خواهران من، دوستان من و حتی مادر و مادر بزرگ من نیست. همه ما باید به مقابله با محدودیت‌هایی که در قوانین نوشته شده ی‌ا در فرهنگ ما وجود دارد، بر آییم.» توکلیان در ادامه

گفته است که این نمایشگاه نمی‌تواند واقعیت‌هایی را که در مورد وضعیت کنونی مصر یا نقاط دیگر در منطقه رخ می‌دهد، تغییر دهد اما می‌تواند فرصتی برای دیدن برخی از دیدگاه‌های مختلف از منطقه برای بازدیدکنندگان فراهم کند.

در بخش دیگری از این گزارش به کریستین گرش، نمایشگاه‌گردان نمایشگاه نیز اشاره شده است که جست‌وجوهایش درباره عکاسی معاصر خاورمیانه و برپایی نمایشگاه «زنان روایت‌گر» از دیدن نمایشگاه‌هایی در پاریس و قاهره آغاز شده است. او همچنین گفته است که برای بر گزاری این نمایشگاه، تنها جغرافیا برایش مهم نیست بلکه او به عکس‌هایی قدرتمند و حرفه‌ای توجه داشته است. به اعتقاد او همه آثاری که از این عکاسان به نمایش گذاشته است یک وجه مشترک دارند و آن به چالش کشیدن پیچیدگی‌های هویتی خاورمیانه‌است، گرش درباره نلمی که برای نمایشگاه انتخاب کرده، چنین گفته است: «این اسم از کلمه عربی «راویا» که به معنای روایت‌گر است، گرفته شده. هرچند که در این نمایشگاه تنها یک روایت نقل نمی‌شود و قصه‌های زیادی برای دیدن وجود دارد.»

تصویری که برای پوستر و کاتالوگ نمایشگاه نیز انتخاب شده، یکی از عکس‌های گوهر دشتی از مجموعه

آمریکا میزبان ۱۲ عکاس زن خاورمیانه می‌شود

زنان ایرانی و عرب در موزه بوستون

سحر آزاد



یکی از عکس‌های مجموعه «زندگی امروز و جنگ» از گوهر دشتی

«زندگی امروز و جنگ» است. گرش در ابتدای کاتالوگ در مورد این عکس نوشته است: «تصویر انتخاب‌شده زندگی را که با جنگ همراه است، نشان می‌دهد. مجموعه‌ای در یک چشم‌انداز یکنواخت و خسته‌کننده. عکس زنی را با لباس عروسی در یک ماشین که نمادی از یک وسیله نقلیه نامطمئن برای شروع یک زندگی جدید است، نمایش داده است که مربوط به سال ۲۰۰۸ است. این عکس از مجموعه «زندگی امروز و جنگ» انتخاب شده که شامل ۱۰ روایت از زن و شوهرها با تمرکز بر مناظر است و ناگفته‌های زیادی را از جنگ بیان می‌کند»

نبوده بلکه او به عکس‌هایی قدرتمند و حرفه‌ای توجه داشته است. به اعتقاد او همه آثاری که از این عکاسان به نمایش گذاشته است یک وجه مشترک دارند و آن به چالش کشیدن پیچیدگی‌های هویتی خاورمیانه‌است، گرش درباره نلمی که برای نمایشگاه انتخاب کرده، چنین گفته است: «این اسم از کلمه عربی «راویا» که به معنای روایت‌گر است، گرفته شده. هرچند که در این نمایشگاه تنها یک روایت نقل نمی‌شود و قصه‌های زیادی برای دیدن وجود دارد.»

تصویری که برای پوستر و کاتالوگ نمایشگاه نیز انتخاب شده، یکی از عکس‌های گوهر دشتی از مجموعه

پایتخت خوزستان بی سروصدا قطب هنری می‌شود؟

موزه هنرهای معاصر اهواز میزبان ۱۶۰ هنرمند

از آنها موزا پیش‌یا افتاده و حتی دورریز است. در مجموع کل این اتفاق و آثار رایبه شده به جهت داربودن ویژگی‌های منحصربه‌فرد هنری و فرهنگی قابلیت بحث و گفت‌وگوی بسیر دارد. این موزه با دراختیار داشتن فضای پنج‌هزارمتری و رعایت استانداردهای لازم نمایشگاهی از لحاظ نورپردازی، ارتفاع و … تنها مرکز با این ظرفیت در شهری غیر از تهران است. این مرکز در سال به اجرای نمایشگاه‌های ماهانه برای

هنرمندان بومی و غیربومی و جشنواره‌های سالانه همانند کاریکاتور فجر، و مراسم ملی پرداخته و با برگزاری نشست و کارگاه‌های تخصصی هنرهای محیطی در حوزه استان با حضور استادان و هنرمندان، در تلاش است که شاید بعد از پایتخت به قطبی هنری تبدیل شود. استان خوزستان با داشتن پنج دانشگاه هنر، که سالانه دوهزار و ۵۰۰ دانشجو در مقطع کاردانی و کارشناسی از آن فارالتحصیل می‌شوند و

کند و آن هم مواردی است که به غیرت و شرافت و حیثیت کاری آحاد سینما لطمه وارد می‌شود، مثل قضیه بستن خانه سینما که به‌صورت امری ناموسى و غیرت‌برنگیز برای اکثریت اهالی سینما در آمد. و گرنه در مسایل معمول و وظایف عادی صنفی تشکیلاتی مانند خانه سینما چنین اقبال و یکپارچگی‌ای را هیچ‌گاه تجربه نکرده‌ایم

مورد سوءاستفاده قرار گرفتن بتواند نیاز گروه‌های مختلف کاری را در سینما برآورده کند. شاید این پرسش برای سینماگران

پیش بیاید که با دانشاندن مشروط تهیه‌کنندگان ممکن است آتش اختلاف آنها شعله‌ورتر شود. اما به جد باید گفت که تشکیلات تهیه‌کنندگی واقعی اگر می‌خواهد برپای خود بایستد باید از محافل دولتی فاصله بگیرد تا بتواند اختلافاتش را درمان کند. اگرچه در شرایط حاضر مدیریت دولتی هم با مشروعیت و نیکبائی که تاکنون دارد می‌تواند با اختیارکردن موضوع قاطع و منطقی و به‌رسمیت‌شناختن تشکیلاتی خارج از کلیه تشکیلات به ظاهر قانونی و بلا تکلیف و … عملاً مساوات را خارج از کلون‌های قدرت، میان تهیه‌کنندگان برقرار کند.

سالیان درازی بود در میان تهیه‌کنندگان، و با بهتر بگویم، قدرت‌های غالب تهیه‌کنندگی رایج بود به مانند یک بیماری مسری به میان اصناف دیگر شیوع پیدا کند و علاوه بر آن، سوءاستفاده مدیریت دولتی گشتند در دمیمن بر این آتش و صنف‌های ایران قاطبی عملاً باتلافی را در پیش‌روی خانه سینما حفر کرد که عبور از آن به این سادگی‌ها ممکن نیست. تالش براندانه مسؤولان دولتی قبلی در قبال همین موقعیت کجدار و مریز خانه سینما، فراموش کردن نقش پدری مرسوم و واردشدن به دعوا و تشدید مخاصمات حیدری – نعمتی، گول‌زدن دست‌اندرکاران سینما با قالب‌کردن مجامع فرهنگی به جای صنف و روبرو قرار دادن همه اهالی سینما در مقابل هم و… احوال سینمای ایران و اصناف آن را از بیماری گذرانده و به حالت کما و بدترین شرایط بعد از انقلاب برده و اگر خوشبینانه بخواهیم نگاه کنیم این شرایط بهترین و کم‌هزینه‌ترین موقعیت برای جراحی مورد نیاز اصناف واقعی است

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

شرایط حاضر نشان داده که حفظ موقعیت جریان کارفرمایی و کارگزاری در سینما در کنار هم و در همه امور صنفی ممکن نیست و این خانه سینما اگر با هر مدیریت و

هفت جهان

کشف بزرگ: نقاشی «ون‌گوگ» واقعی بود

سفر از اتاق زیر شیروانی تا موزه

نیما توسلی

● نزدیک به یک قرن، نقاشی «غروب در مونتمآژور» یک اثر تقلبی تلقی می‌شد. به همین دلیل، نابولی مهم‌ن‌سان ون‌گوگ، در اتاق زیر شیروانی نگاه داشته شد و بعد از آن هم در یک کلکسیون خصوصی قرار داشت و از دید عموم پنهان ماند و تاریخدانان هنر هم به آن دسترسی نداشتند اما دوشنبه نهم سپتامبر (۱۸ شهریور) مشخص شد این نقاشی یک اثر واقعی از این هنرمند است، یک کشف بزرگ «اکسل روگر» مدیر موزه، نقاشی «غروب در مونتمآژور» را که در سال ۱۸۸۸ در آرسز کشیده شده، اثری از مهم‌ترین دوره تاریخی زندگی ون‌گوگ می‌داند؛ دورامی که او بسیاری از شاهکارهایش را طی آن مدت کشید مانند: «گل‌های آفتابگردان»، «خانه زرد» و «اتاق خواب». این نقاشی، گرگومیش یک منظره تپه‌ای جنگلی را در صومعه‌ای در مونتمآژور واقع در منطقه پروونس در جنوب فرانسه به تصویر می‌کشد؛ جایی که گندم‌زارها و خرابه‌های صومعه بندیکتین در دوردست آن به چشم می‌خورد. نواحی پیرامون مونتمآژور، جایی است که ون‌گوگ در طول اقامتش در منطقه آرلز واقع در جنوب فرانسه، بارها به آن پرداخت. جیمز راولدن، فروشنده آثار هنری و مدیر بخش نقاشی‌های مدرن در گالری‌های دیکینسون لندن و نیویورک معتقد است یکی، دو اثر از آثار ون‌گوگ روی چوب کار شده، که البته خیلی نامر است. از نظر او، گمانه‌زنی دقیق در این خصوص که غروب آفتاب در مونتمآژور تا چه حد در بازار مقبول بیفتد سخت است، اما انتظار می‌رود که بیش از ده‌هلیلیون برای آن پیشنهاد شود. به نظر او، این اثر دارای ویژگی نمادین و خاصی نیست، مانند نقاشی «پرتره دکتر گچت»، که در سال ۱۹۹۰ موفق شد در یک حراجی، به قیمت ۲/۵میلیون دلار به فروش برسد. فرد لیمن که مسئول سابق موزه بوز در حال حاضر به عنوان یک تاریخدان هنر مستقل و محقق ون‌گوگ شناخته می‌شود، معتقد است که این اثر صدردص واقع و اصیل است. او اظهار کرده که شناخت ما از ون‌گوگ به عنوان یک نقاش مدرن است، اما در این اثر او به سبک نقاشی منظره قرن نوزدهمی کار کرده است. این نقاشی برای سال‌های متمادی در کلکسیون خصوصی یک خانواده بوده و بنا به برخی نگرانی‌های خصوصی اطلاعات بیشتری در مورد مالکان آنها رایبه نشده است. مارژی واکوپ، رییس بخش کلکسیون‌ها، پژوهش و آرایه موزه اظهار کرده که تا سال ۱۹۰۱، این نقاشی در کلکسیونی قرار داشت که متعلق به برادر ون‌گوگ، یعنی «انتوا بود» اما بعد نبوده او «یوهانا واکوپ» و پتگر» اثر را به یک فروشنده هنر در پاریس فروخت. در سال ۱۹۰۸، این فروشنده هم آن را به یک



کلکسیونر نروژی فروخت. مدت کوتاهی پس از آن، اعلام شد این اثر تقلبی و در واقع جعل است. بنابراین، کلکسیون نروژی هم این نقاشی را در اتاق زیر شیروانی خود انبار کرد. او در سال ۱۹۷۰ مُرد و بعد از آن بود که مالکان کنونی آن را خریداری کردند. اکسل روگر می‌گوید مالکان جدید در سال ۱۹۹۱ این نقاشی را به موزه ون‌گوگ بردند، اما آن موقع متخصصان به آنجا گفتند فکر نمی‌کنند که این اثر معتبر باشد. تا اینکه دو سال پیش، مالکان مجدداً اثر را به موزه بردند و پژوهشگران موزه دوباره آن را آزمایش کردند. لوییس وینتیلپورگ، پژوهشگر ارشد موزه گفت از سال ۱۹۹۱ به بعد، موزه فنون و ابزار جدیدی را برای تشخیص هویت و تایید اعتبار آثار هنری تهیه کرده که تمامی این شیوه‌ها در مورد این نقاشی به کار گرفته شد. وینتیلپورگ می‌گوید این نقاشی به همان شیوه‌ای که ون‌گوگ روی یکی دیگر از بوم‌های نقاشی خود در همان دوره، یعنی «صخره‌ها» نقاشی کرده بود، نقاشی شده است. این اثر در عین حال در فهرست بخشی از کلکسیون «نتو ون‌گوگ» در سال ۱۸۹۰ قرار گرفت. در پشت اثر «۱۸۰» نقش بسته که مربوط به عدد مجموعه کلکسیون می‌شود، وینتیلپورگ اعلام کرده که این عدد به صورت ثابت وجود داشته است. این نقاشی از تاریخ ۲۴ سپتامبر و به عنوان بخشی از نمایشگاه در حال حاضر دایر آن با عنوان «ون‌گوگ در کار»، به مدت یک سال در موزه در معرض دید عموم قرار خواهد داشت.

سرخط

❧ **ایستادنوازندگان را کستر مجلسی تهران کنار هم نشسته و قطعات کنسرت «هوای گریه» را در سالن رودکی برج میلاد تمرین کردند.**
❧ **ایلنا: هیات انتخاب نمایشامه بخش چشم‌انداز سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، تعداد ۲۹ متن از میان ۴۷۰ متن متقاضی را برگزید.**
❧ **ایستاد: نمایشگاه نقاشی و عکاسی نجومی با همکاری باشگاه نجوم برج میلاد تهران، با نام «جادوی شب» در رواق هنری راسه ساز برج دایر است.**
❧ **ایستاد: ردیف بودجه مستقل برای هنرهای نمایشی، از درخواست‌های جدی قادر آشنا، در آستانه برگزاری جشنواره آیینی سنتی است.**